

رویکرد «باهم‌آیی» در ترکیب‌های وصفی و اضافی مثنوی

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی

دکتر محمود طاووسی^۱، دکتر مهدی ماحوزی^۲

حامد ذاکری^۳



تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۲۶

تاریخ پذیرش:

چکیده

هنجارگریزی یکی از ویژگی‌های سبکی مولانا جلال‌الدین محمد بلخی است. گاهی این هنجارگریزی‌ها جنبه‌ای بسیار هنرمندانه به سخن وی می‌دهد. در این زمینه پژوهش پیش رو تلاش داشته است تا به بررسی ترکیب‌های وصفی و اضافی در مثنوی مولانا بپردازد؛ ترکیب‌هایی که به صورت دل‌خواه مولانا، دچار تغییر در سطح ساخت و معنا شده است. البته این تغییرات در جهت هنری زبان صورت گرفته و آن را از زبان هنجار جدا ساخته است. تعبیری که برای این‌گونه ترکیبات می‌توان آورد «باهم‌آیی» است که تفاوت آن با ترکیب دستوری، هنجارگریزی در معناست. در این مقاله نتایج جالب توجه حاصل شده که از جمله‌ی آن می‌توان به «باهم‌آیی»های انتزاعی اشاره کرد. این ترکیب‌ها که نتیجه‌ی ذهن خلاق و قاعده‌ناپذیر مولاناست، هم در شعر شاعران پیشین بی‌سابقه است و هم برانگیزاننده‌ی ذهن مخاطب به سوی جست و جو در پیوند دادن اجزای یک ترکیب و یافتن رابطه‌ی معنایی در آن‌هاست.

کلید واژه‌ها: باهم‌آیی، زبان، ترکیب اضافی، ترکیب وصفی، مثنوی، مولانا.

۱ - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.

۲ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.

۳ - دانش‌آموخته‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، رودهن، ایران.

مقدمه

زبان فارسی از زبان‌های ترکیبی است و ترکیب در این زبان نقشی اساسی دارد. «زبان فارسی یکی از زبان‌های شاخه‌ی غربی زبان‌های هند و ایرانی، از گروه زبان‌های هند و اروپایی و زبانی ترکیبی است. مراد از ترکیبی بودن این زبان، آن است که می‌توان از پیوستن واژه‌های زبان به یکدیگر، یا افزودن پیشوندها و پسوندها بدان‌ها برای بیان معانی و مفاهیم تازه بهره گرفت. بدین گونه هزارها واژه‌ی تازه با معانی تازه ساخت». (مقربی، ۱۳۷۲: ۶)

بنابراین مقوله‌ی دستور زبان که شامل ترکیب‌سازی و واژه‌سازی نیز هست، از ویژگی‌های مهم زبان و شناخت آن است. «دستور زبان یکی از سه شعبه‌ی مهم زبان‌شناسی^۱ است و مانند زبان و زبان‌شناسی دارای تعریف‌هایی متعدد است». (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۳۰) فرشیدورد در «دستور مفصل امروز» زبان را چنین تعریف می‌کند: «دستور بخشی است از زبان‌شناسی که درباره‌ی ساخت آوایی و صرفی و نحوی و معانی زبان بحث می‌کند. از دستور و زبان‌شناسی می‌توان در فراگرفتن زبان نیز بهره گرفت. دستور شامل سه بخش است: ۱- آواشناسی^۲، ۲- صرف^۳ (سازه‌شناسی)، ۳- نحو^۴. (همان)

از ویژگی‌هایی که همواره بر ارزش‌های شعری مولانا افزوده است، مسأله‌ی زبان است. مولانا با هنجارگریزی‌هایی که در کاربرد واژگان، تغییرات آوایی واژگان، واژه‌سازی و ایجاد تغییر معنایی در واژگان و استفاده از واژه‌های نامتعارف انجام داده، در همه‌ی لایه‌های زبان (آوایی، صرفی و نحوی) دست برده است. با توجه به این، لازم می‌نماید تا بررسی آثار وی از نظر زبانی، بیشتر مورد توجه قرار گیرد. در شعر

۱- مراد از سه شعبه‌ی زبان‌شناسی عبارت است از: دستور زبان، لغت‌شناسی و آواشناسی

2 - phonetics
3 - morphology
4 - syntax

تجزیه و تحلیل نمونه‌ها

مواردی که در مبحث «باهم‌آیی» و زیر عنوان ترکیب وصفی و اضافی بدان‌ها اشاره می‌شود، در بردارنده یویژگی‌های این نوع ترکیب‌هاست. این مباحث به‌طور اختصار و صرفاً برای ورود به موضوع تحقیق حاضر توضیح داده شده است. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، هدف از این پژوهش جداسازی نوع «باهم‌آیی»ها بر اساس معمول نبوده است، بلکه این تحقیق قصد دارد روند ابداعی مولانا در شیوه‌ی ترکیب‌سازی و هنجارگریزی‌های وی در استفاده از واژگان، تغییر در معنا و پیوند میان اجزای ترکیب را بررسی کند. بنابراین زمینه‌ی پژوهش بر اساس یافته‌ها در خلال بررسی متن است و مفاهیمی که در بخش مبحث ترکیب‌های وصفی و اضافی آورده شده، تنها به عنوان پس‌زمینه‌ای برای یادآوری هنجارهای دستوری این نوع ترکیب‌ها بیان شده است، زیرا آگاهی از سنت دستوری این مبحث است که می‌توان در آن‌ها به سنت‌شکنی‌ها و نوآوری‌های مولانا به شیوه‌ی ترکیب‌سازی وی پی برد.

ترکیب‌های اضافی و وصفی و شناخت آن‌ها

اصولاً ترکیب‌های اضافی و وصفی عامیانه به‌طور ناخودآگاه و در ابعاد وسیع به‌کار گرفته می‌شود، اما آنچه جنبه‌ی هنری بدان می‌بخشد، گونه‌ای ترکیب است که می‌توان آن را «باهم‌آیی» خواند.

«باهم‌آیی» اصطلاحی است که جی. آر. فرث در نظریه‌ی معنایی خود مطرح کرده است. او اساساً این پدیده‌ی زبانی را معنا بنیاد فرض کرد، نه دستوری و آن را برای نامیدن و مشخص کردن ترکیبات، بر اساس رابطه‌ی معنایی - اصطلاحی و بسامد وقوع آن‌ها در زبان، به‌کار برد. به نظر او هم‌نشینی یکی از شیوه‌های بیان معنی است.

(Bussman 1996, p.81؛ پالمر ۱۹۷۱ [ترجمه: ۱۳۷۴، ص ۱۷۰])

فرث به تشخیص واژه از طریق معنی واژه‌های هم‌نشین اعتقاد داشت و بر آن بود که «باهم‌آیی» واژه‌ها تنها بخشی از معنی آن‌ها را در بر دارد. (همان، ص ۱۶۱) در این باب می‌توان به واژه‌ی آفتاب در این بیت مولانا اشاره کرد:

ای صفات آفتاب معرفت و آفتاب چرخ، بند یک صفت
(مولانا، ۱۳۸۳، دفتر دوم: ۳۶)

در باهم‌آیی نخست، معرفت به آفتابی تشبیه شده که روشنایی بخش است، اما در «باهم‌آیی» دوم مراد از آفتاب، همان آفتاب آسمان است. ملاحظه می‌شود که واژه‌ی «آفتاب» در هر دو مورد معنایی متفاوت دارد و دلیل آن تفاوت در هم‌نشینی واژه‌های دیگر است.

هارتمن و جیمز (Hartman and James 1998, p.22) «باهم‌آیی» را سازگاری معنایی حاصل از هم‌جواری دستوری واژه‌ها می‌دانند. آنان «باهم‌آیی»‌هایی چون ترکیب وصفی (مانند: سلام گرم) را رابطه‌ای مثبت شمرده و همبستگی خوانده‌اند. این همبستگی در مثنوی مولانا به گونه‌هایی زیبا جلوه می‌کند. مانند:

گرم گوید وعده‌های سرد را جادوی مردی، ببندد مرد را
(همان: ۵۷۰)

مبحث «باهم‌آیی» در این پژوهش تنها شامل ترکیب‌های اضافی و وصفی‌ست که در آن چند اسم یا یک اسم و یک صفت یا چند صفت به دنبال هم می‌آید و یک گروه اسمی یا وصفی را که ترکیب اضافی یا وصفی نامیده می‌شود، تشکیل می‌دهد.

بر اساس مطالعات انجام‌شده، اغلب دستور نویسندگان از پرداختن به مبحث «باهم‌آیی»‌های (ترکیب‌های) وصفی و اضافی صرف نظر کرده و آن را از سرفصل کتاب‌های خود حذف نموده‌اند. مقربی، وحیدیان کامیار، انوری و گیوی در کتاب‌های خود به این خصیصه‌ی دستوری نپرداخته‌اند. فرشیدورد ترکیب‌های اضافی را ذیل مبحث

مضاف‌الیه آورده است. وی این گونه ترکیب‌ها را از لحاظ معنایی به چند دسته‌ی عمده تقسیم کرده است: ۱- اضافه‌ی اختصاصی که شامل اضافه‌ی تخصیصی، ملکی و اقترانی است، ۲- اضافه‌ی بیانی که علاوه بر اضافه‌ی تشبیهی، انواعی جدید را که وی بر اساس معنا افزوده است، دربرمی‌گیرد؛ این ترکیب‌های جدید عبارت است از: اضافه‌ی فاعلی، مفعولی، تأکیدی و اشمالی، ۳- اضافه‌ی تبعیضی که از افزوده‌های فرشیدورد به انواع اضافه است و در آن کسره به معنی «از» تبعیض است، ۴- اضافه تعظیمی یا احترامی. (فرشیدورد، ۱۳۸۸: ۲۱۹)

در قدیم مضاف‌الیه پیش از اسم هم می‌آمده است. در این صورت حرف «را» پس از آن قرار می‌گرفته است:

دیده را فایده آن است که دلبر بیند ور نبیند چه بود فایده بینایی را
(سعدی، ۱۳۸۳: ۴۳۲)

صفت به دو صورت موصوف خود را وصف می‌کند: بی‌واسطه و با واسطه. در حالت بی‌واسطه معمولاً صفت پس از موصوف و کسره‌ی اضافه قرار می‌گیرد. البته اگر موصوف «ی» نکره داشته باشد، کسره نیز حذف می‌شود. نیز اگر برخی فعل‌ها مانند «است»، «بود» و «شد» میان صفت بی‌واسطه و موصوف فاصله شود، کسره هم حذف می‌گردد. این نوع استفاده تحت تأثیر ادبیات قدیم است. در قدیم صفت‌های بی‌واسطه‌ی بافاصله بیش‌تر از امروز به‌کار می‌رفته است. (همان: ۲۵۸) مانند:

چو کاری بینی از من ناسزاوار به زشتی هم شوم در چشم تو خوار
(گرگانی، ۱۳۴۹: ۱۷۸)

راویه پر آب چون هدیه بری بنده‌ایم شد سیه با اشتری
(مولانا، ۱۳۸۳، دفتر سوم: ۷۳۸)

صفت با واسطه: صفت با واسطه یا اسنادی آن است که به یاری فعل ناقص (ربطی)

ترکیب اضافی، مضاف و مضاف الیه قابل تفکیک است. مانند: مادر مهربان، نمی‌شود مهربانی را از مادر گرفت.

تتابعاضافات (و تنسیق صفات)

مطلع تاریخ این سودا: مثنوی که محلّ داد و ستد معنوی و فایده‌های روحانی است، در سال ششصد و شصت و دو هجری نظم دفتر دوّم آن آغاز شد. (مطلع تاریخ: اضافه تخصیصی، تاریخ این سودا: اضافه تخصیصی)تابع اضافات

مطلع تاریخ این سودا و سود سال، اندر ششصد و شصت و دو بود (مولانا، ۱۳۸۳، دفتر دوم: ۲۰)

چشم منیر بی زوال: چشم روشن و روشنگر که روشنی آن هرگز از حقایق زوال نمی‌گیرد. / تنسیق صفات

کاندرین چشم منیر بی زوال از حقایق راه کی یابد خیال؟ (همان: ۵۴)

اسرار سرّاندیش شیخ: اسرار رازدان / تابع اضافات
او طبق بنهاد اندر پیش شیخ تو بین اسرار سرّاندیش شیخ
(همان: ۱۳۵)

صوفیانِ طبل‌خوارِ لقمه‌جو: صوفیان مفت خوار پُرخور / تنسیق صفات
صوفیانِ طبل‌خوارِ لقمه‌جو سگ دلان و همچو گربه، روی شوی
(همان: ۱۳۶)

موقوف غریو کودک: منوط به گریستن کودک / تابع اضافات
گفت: آن دینار اگر چه اندک است لیک موقوف غریو کودک است
(همان: ۱۴۲)

کم نمود او را و، اصحاب و را آن جهاد ظاهر و باطن خدا
(همان : ۵۷۳)

آوردن اسم در نقش مضاف الیه و اراده‌ی معنای صفت

مرد شکار : مرد شکارچی که در پی صید معانی هستی

یار، چشم توست، ای مرد شکار از خس و خاشاک او را پاک‌دار
(همان : ۲۷)

ترکیب دو اسم یا صفت مشابه و اراده‌ی یک معنا

برگ بی‌برگی: ساز و نوای فقر و درویشی که در نهایت معنای درویشی است.

برگ بی‌برگی، تو را چون برگ شد جان باقی یافتی و، مرگ شد
(همان : ۳۵۳)

زار زار: با حالت زار. مولانا با این ترکیب و هم‌آوایی دو کلمه در کنار یکدیگر با
تشابه لفظی، بر معنای آن تأکید می‌کند.

و ارهید آن مارگیر از زخم مار مار کشت آن دزد او را زار زار
(همان : ۶۴)

ساخت استعاره‌ی مصرّحه با ترکیب وصفی

چشم خاکی: استعاره از چشم ظاهر که با آن مادیات را می‌توان دید و از جنس خاک است.

چشم خاکی را به خاک افتد نظر بادبین چشمی بود، نوعی دگر
(همان : ۳۳۱)

ماهی بیچاره: استعاره از طالبِ عاشق که حالی همچون ماهیِ دور افتاده از آب دارد
که ناگهان به آبی می‌رسد.

ماهی بیچاره را پیش آمد آب این نشان ها تَلْکَا یَا تَلْکُتَاب
(همان : ۴۳۰)

جابه‌جایی صفت بیانی با موصوف در ساخت ترکیب

خوش خواجه تاش: رفیق و همتای خوبی

گفت: ای شه، من بگویم عیب هاش گرچه هست او مر مرا خوش خواجه تاش

(همان: ۲۴۷)

به‌کارگیری الفاظ عامیانه در جهت تفهیم بهتر معنی

وکیل بانمک: وکیل وارسته و خوش اخلاق

سوی قاضی شد وکیل بانمک گفت با قاضی، شکایت یک به یک

(همان: ۱۸۹)

نتیجه

هدف اصلی این گفتار به‌دست دادن برخی ویژگی‌های زبانی مولانا در شیوه‌ی ترکیب‌سازی با تکیه بر دفتر دوم مثنوی بوده است. با توجه به داده‌هایی که در حین مطالعه و تحقیق جمع‌آوری شد، این نتیجه حاصل شد که مولانا در ساخت «باهم‌آیی»های انتزاعی، منحصر به فرد است. این گونه «باهم‌آیی»ها که خاص خود اوست، حتی در شعر شاعرانی چون عطار و سنایی که از نظر زبانی و زمانی به مولانا نزدیک بوده‌اند، دیده نمی‌شود.

مولانا به‌طور زبردستانه و با حفظ ویژگی‌های زبان فارسی به‌هنجارگریزی‌های دستوری در جابه‌جایی اجزا و ترکیب‌سازی پرداخته است. از جمله، ساخت ترکیب‌های انتزاعی، به‌عینیت درآوردن تصاویر انتزاعی و استفاده از پس‌زمینه‌های ذهنی عامیانه در تصویرسازی‌های ترکیب‌های اضافی تشبیهی و استعاری است.

از نظر دستوری جای صفت و موصوف یا مضاف و مضاف‌الیه در زبان خاص او تغییر می‌کند و با آوردن اسم در نقش صفت، صفت در نقش قید و قید در نقش صفت در سیر خطی اصول دستوری تغییر ایجاد کرده و استفاده از انواع مختلف را در

منابع

۱. اکبرآبادی، ولی محمد، شرح مثنوی، لکهنون، چاپ سنگی.
۲. انقروی، اسماعیل، شرح کبیر انقروی، ترجمه‌ی عصمت ستارزاده، انتشارات کتاب‌فروشی دهخدا.
۳. بیرونی، ابوریحان، التفهیم لاولئل صناعه التنجیم، با مقدمه و تعلیق جلال‌الدین همایی.
۴. پادشاه محمد، متخلص به شاد، آندراج، کتاب‌فروشی خیام.
۵. حافظ، شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲)، به تصحیح پرویز ناتل خانلری، چاپ دوم، تهران: انتشارات خوارزمی.
۶. حسینی، سید حسن، اضافه و ترکیب اضافی در شعر بیدل، مجله‌ی شعر، شماره‌ی ۲۹.
۷. خیام‌پور، عبدالحسین (۱۳۸۶)، دستور زبان فارسی، چاپ سیزدهم، تهران: ستوده.
۸. رساله‌ی قشیریه (۱۳۶۱)، با تصحیحات و استندراکات‌بدیع‌الزمان فروزانفر، علمی و فرهنگی.
۹. رومی، جلال‌الدین، مثنوی، ترجمه و شرح دکتر محمد عبدالسلام کفافی، المکتب‌العصریه، بیروت، سال ۱۹۶۷ میلادی.
۱۰. زمانی، کریم (۱۳۹۰)، شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر دوم، چاپ سی و چهارم، تهران: اطلاعات.
۱۱. سبزواری، حاج ملاهادی، شرح اسرار، چاپ سنگی، سال ۱۲۸۵.
۱۲. سعدی، (۱۳۸۳)، کلیات، به کوشش محمد علی فروغی، چاپ اول، تهران: انتشارات بوستان توحید.
۱۳. فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۸)، دستور مفصل امروز، چاپ سوم، تهران: سخن.
۱۴. فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۶۷)، شرح مثنوی شریف، جلد‌های ۱ و ۲ و ۳، چاپ چهارم، تهران: زوآر.
۱۵. کاشانی، عزالدین محمود، مصباح‌الهدایه، با مقدمه و تصحیح جلال‌الدین همایی،

کتابخانه‌ی سنایی.

۱۶. گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۴۹)، به تصحیح ماگالیتودوا- الکساندر گواخاریا، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
۱۷. گوهرین، سید صادق (۱۳۶۲) فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی، کتاب‌فروشی زوار.
۱۸. لاهیجی، شیخ محمد، شرح گلشن راز، کتاب‌فروشی محمودی.
۱۹. مشکور، محمد جواد (۱۳۷۰)، تاریخ سیاسی ساسانیان، تهران: دنیای کتاب.
۲۰. معین، محمد (۱۳۶۲)، فرهنگ معین، جلد ۱ تا ۴، چاپ پنجم، تهران: امیر کبیر.
۲۱. مقربی، مصطفی (۱۳۷۲)، ترکیب در زبان فارسی، چاپ اول، تهران: طوس.
۲۲. مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۸۹)، مثنوی معنوی، به تصحیح کریم زمانی، جلد دوم، چاپ ۱۸، تهران: اطلاعات.
۲۳. نیکلسون، رینولد الین (۱۳۷۴)، شرح مثنوی معنوی مولوی، ترجمه و تعلیق لاهوتی، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۴. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۶)، دستور زبان فارسی (۱)، چاپ دهم، تهران: سمت.
۲۵. همایی، جلال‌الدین (۱۳۵۶)، مولوی‌نامه، تهران: آگاه.
۲۶. یوسفی، حسنعلی، ترکیب‌سازی در مخزن‌الاسرار نظامی، رشد آموزش ادب فارسی.

منابع لاتین

1. Bussmann, Hadumod (1996), Routledge Dictionary of Language and Linguistics, translated and edited by Gregory Trauth and Kerstin Kazzazi, London: Routledge.
2. Hartmann, R.R.K and Gregory James (1998), Dictionary of Lexicography, London: Routledge.